

سنجش، ارزیابی و تبیین دل‌بستگی به خدا در بافت و فرهنگ اسلامی

Assessment, Evaluation, and Explanation of Attachment to God in the Islamic Culture Context

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۵

مهدی شیخ[✉]، خدابخش احمدی^۱، باقر غباری بناب^۲Sheikh M. MSc[✉], Ahmadi Kh.phD, Ghojari Bonab B. PhD, Ahmadi zadeh MJ. PhDمحمد جواد احمدی زاده^۱**Abstract**

Introduction: Beside parental attachment, attachment including people's relationship with God, as an evolutionary construct influencing the development process, has been recently taken into consideration.

Method: The present study aimed to answer this question that whether people's relationship with God in the Islamic culture can be assessed, evaluated and explained within the framework of Attachment Theory to God. To this end, 30 individuals working in a military unit (male) were randomly selected through applying convenience sampling method. This is a qualitative research. Hence, to collect data, an attachment to God semi-structured interview was held (Proctor, 2009).

Results: The results of the theoretical analysis, considering Grice's rules of spoken discourse (1985) and separating based on three attachment styles (secure, avoidant, anxious) and nine attachment indicators for attachment to God (mental image of God, experience a relationship with God, sense of doubt and integrity in relationship with God, positive self-perception, positive perception of God, seeking closeness to God, separation protest, secure shelter, and secure base), indicated that consistent with Attachment Theory to God, Muslim relations with God can be assessed, evaluated and explained within three attachment styles, i.e., secure, ambivalent and avoidant.

Discussion: The obtained results, except for some indicators of avoidant attachment style, were in line with indicators of Attachment Theory to God.

Keywords: Attachment God, Islamic culture

چکیده

مقدمه: امروزه دل‌بستگی به عنوان سازه‌ای تحولی و موثر بر فرایند رشد علاوه بر دل‌بستگی به والدین در ارتباط افراد با خدا نیز مورد توجه قرار گرفته است.

روش: هدف از پژوهش حاضر پاسخگویی به این سوال بود که آیا ارتباط افراد با خدا در فرهنگ اسلامی را می‌توان در چارچوب نظریه دل‌بستگی به خدا مورد سنجش، ارزیابی و تبیین قرار داد؟ بدین منظور تعداد ۳۰ نفر از شرکت کنندگان یک واحد نظامی (مرد)، در قالب پژوهش کیفی و با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، به شکل تصادفی انتخاب شدند و از آنان مصاحبه نیمه ساختاریافته دل‌بستگی به خدا (پروکتور، ۲۰۰۹)، به عمل آمد.

نتایج: نتایج تحلیل نظری پژوهش که براساس قواعد گفتمان محاوره‌ای گرایس (۱۹۸۵) و به تفکیک سه سبک دل‌بستگی (ایمن، اجتنابی، اضطرابی) و ۹ شاخص دل‌بستگی به خدا (انگاره ذهنی از خدا، تجارب رابطه با خدا، حس تردید و یکپارچگی در رابطه با خدا، ادراک مثبت از خود، ادراک مثبت از خدا، جوارجویی به خدا، اعتراض به جدایی، پناهگاه امن، پایگاه ایمن) انجام شد نشان داد، منطبق بر نظریه دل‌بستگی به خدا، روابط مسلمانان با خدا را می‌توان بر اساس شاخص‌های دل‌بستگی، به سه سبک دل‌بستگی ایمن، دوسوگرا و اجتنابی مورد سنجش، ارزیابی و تبیین قرار داد.

بحث: نتایج حاصله به جز در برخی موارد شاخص‌های مربوط به سبک دل‌بستگی اجتنابی، با شاخص‌های نظریه دل‌بستگی به خدا همخوان بود.

کلید واژه‌ها: دل‌بستگی به خدا، فرهنگ اسلامی

[✉] **Corresponding Author:** Behavioral Sciences Research Center, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran
E-mail: Mahdisheikh51@yahoo.com

[✉] مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران
۱- مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران
۲- دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

در شرایط استرس‌زا و بحرانی به سمت چهره اصلی دلبستگی (مراقب) بر می‌گردد، فرد مومن نیز در شرایط استرس، درماندگی و بحران به خداوند به عنوان یک پناهگاه مطمئن رو می‌آورد.

(۳) خداوند به عنوان پایگاه ایمن: همانطور که کودک، مادر را پایه و اساس ایمنی می‌داند و در محیط، کاوش می‌کند. فرد مومن نیز با اعتقاد به این که خدا پایه و اساس ایمنی است، احساس قدرت کرده و این امر باعث افزایش اعتماد به نفس و امنیت وی در لحظات اضطراب و ترس می‌شود و احساس ایمنی نیز باعث آرامش روحی شده و فرد را برای مقابله با مشکلات و چالش‌های زندگی آماده می‌کند. پایگاه ایمن همانند پادزهری در برابر ترس و اضطراب است.

(۴) جدایی و فقدان: اگر چه جدایی از خدا باعث اضطراب و فقدان او باعث غم و اندوه می‌شود اما خداوند فراگیر است و همه جا حضور دارد، بنابراین فرد نمی‌تواند همانطور که از یک چهره دلبستگی انسانی جدا می‌شود یا او را از دست می‌دهد از خدا نیز جدا شود. افرادی که از آیین‌های دینی و مذهبی دور می‌شوند، نوعی اضطراب جدایی را تجربه می‌کنند و برای رسیدن به آرامش و احساس امنیت، در صدد جوارجویی با خداوند بر می‌آیند.

(۵) خداوند به عنوان قادر و دانای کل: رابطه انسان و خدا بهتر از رابطه مراقب-کودک این ویژگی را آشکار می‌کند و این ویژگی در ارتباط فرد با خدا نسبت به رابطه دو فرد عاشق بزرگسال نیز دائمی‌تر بوده و بیشتر حفظ می‌شود. شاید از مهمترین تفاوت‌های موضوع دلبستگی به والدین و دلبستگی بزرگسالی با دلبستگی به خدا همین ویژگی باشد.

کیرک پاتریک (۱۹۹۲)، با شناسایی سه سبک دلبستگی به خدا (دلبستگی ایمن، دلبستگی نالایمن

دلبستگی به خدا^۱ تحت عنوان ارتباط و گرایش عاطفی فرد به خداوند تعریف می‌شود. در این تعلق خاطر، خداوند به عنوان پایگاه امنی^۲ شناخته می‌شود که در همه شرایط می‌توان او را جستجو کرد (گرانکوئیست^۳، میکولنسر^۴ و شاور^۵، ۲۰۱۰).

ارتباط با خدا به لحاظ نظری، در چارچوب نظریه دلبستگی بالبی و مبتنی بر دیدگاه دلبستگی به والدین (مراقب-کودک) می‌باشد (کیرکپاتریک^۶، سروف^۷، فلیسون^۸ و فلیسون، ۲۰۰۶؛ گرانکوئیست و کیرک پاتریک، ۲۰۱۱). در همین راستا، کیرک پاتریک (۱۹۹۴)، معتقد است، چهار ویژگی که اینثورث^۹ (۱۹۸۵)، برای دلبستگی انسانی (دلبستگی مراقب-کودک) برشمرده است در ارتباط با خداوند به عنوان چهره دلبستگی قابل ردیابی است. بر این اساس او پنج معیار برای دلبستگی به خدا برشمرده است.

(۱) جستجو و حفظ مجاورت با خداوند: کودکان وقتی به سنین نوجوانی می‌رسند، بر اثر رشد شناختی و تفکر انتزاعی حتی در غیاب چهره دلبستگی و فقدان تعاملات دیداری یا کلامی، به صرف ادراک و آگاهی از اینکه چهره دلبستگی در صورت نیاز در دسترس است، احساس ایمنی می‌کنند. در دلبستگی به خدا نیز اگر چه فرد نمی‌تواند به طور فیزیکی به خدا نزدیک شود اما بسیاری از رفتارهای مذهبی همانند نماز خواندن، دعا کردن و زیارت اماکن متبرکه، در ادیان و مذاهب مختلف شبیه به واریسی‌های متناوب کودک برای اطمینان از این که چهره دلبستگی در دسترس و پاسخگوست، می‌باشد و نوعی رفتار مجاورت جویانه با خداست.

(۲) خداوند به عنوان پناهگاه امن: همانطور که کودک

شاخص‌های زیر را گزارش کنند: (۱) بی‌ارزش جلوه دادن، فاصله یا کاهش رابطه‌شان با خدا (۲) در تجارب رابطه‌ای، تجارب منفی بر تجارب مثبت و خنثی غلبه دارند (۳) اجتناب از توکل به خدا، زمانی که گزارش می‌کنند می‌خواهند روی پای خود بایستند، ادعای قدرت و استقلال دارند (کیرک پاتریک، ۱۹۹۵، ۱۹۹۷، ۱۹۹۹، ۱۹۹۲).

بررسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه دل‌بستگی به خدا نشان می‌دهد، اغلب پژوهش‌های مربوط به دل‌بستگی به خدا در چارچوب دیدگاه شناختی-اجتماعی و بافت و فرهنگ مسیحیت انجام شده‌اند و پژوهشگران این حوزه عموماً از مقیاس‌های پیوسته، قیاسی و اصلاح شده دل‌بستگی انسانی در حیطه بزرگسالان و کودکان برای دل‌بستگی به خدا استفاده کرده‌اند. برای مثال، (احمدی، شیخ و سرابندی، ۱۳۹۱؛ شیخ و همکاران، ۲۰۱۴، ۲۰۱۳؛ الیسون^{۱۳}، ۲۰۱۴؛ کرکپاتریک، ۱۹۹۲؛ بارتولیمو^{۱۴} و هارویتز^{۱۵}، ۱۹۹۱؛ پراکتور^{۱۶}، ۱۹۹۸؛ رووات^{۱۷}؛ کیرک پاتریک، ۲۰۰۲؛ بک و مک دونالد، ۲۰۰۴؛ سیم^{۱۸} و لوه^{۱۹}، ۲۰۰۳). تمامی این مقیاس‌ها به منظور سنجش دل‌بستگی به خدا در فرهنگ مسیحیت ساخته شده‌اند. از معدود مقیاس‌ها که با هدف سنجش دل‌بستگی به خدا در بافت و فرهنگ اسلامی ساخته و هنجاریابی گردیده است، پرسشنامه دل‌بستگی به خدا، غباری و حدادی کوهسار (۱۳۹۱) می‌باشد. مقیاس‌ها و پرسشنامه‌های خودگزارشی که ذکر گردید، اگرچه در نوع خود ابزار ارزشمندی برای سنجش دل‌بستگی به خدا به حساب می‌آیند، اما هیچ کدام از آنها به تنهایی ابزار جامعی که بتوان براساس آن ارتباط افراد با خدا را در فرهنگ اسلامی به شکل عمیق مورد سنجش، ارزیابی و تبیین قرار داد، نیستند^۱ - این مقیاس‌ها بیش از حد روی

دوسوگرا، دل‌بستگی ناایمن اجتنابی، مجموعه‌ای از شاخص‌ها را برای هر سبک دل‌بستگی برشمرده است. افرادی که دل‌بستگی ایمن^{۱۰} به خدا دارند ممکن است ترکیبی از شاخص‌های زیر و یا همه آنها را گزارش کنند: (۱) ارزش‌دهی به رابطه‌شان با خدا (۲) انگاره‌ای از خدا که با اصطلاحاتی همچون: خدای قادر، مهربان، دلسوز، در دسترس، پاسخگو به نیازها، فهیم، تسلی دهنده و محافظ، مشخص می‌شود (۳) تجارب رابطه‌ای که عمدتاً با لحن مثبت همراه اند (۴) ظرفیتی منعطف برای پذیرفتن و ترکیب کردن تجارب مثبت و منفی زندگی در چارچوب معنویت و رابطه‌شان با خدا (۵) اذعان به اینکه شک و تردید بخشی از یک رابطه سالم است، احساس ناخوشایندی از تردیدها، و پذیرش و ایجاد انسجام و یکپارچگی در رابطه شان با خدا (۶) احساس آزادی و راحتی در بررسی اعتقاداتشان به خدا.

در مقابل آنهایی که نیم‌رخ دل‌بستگی ناایمن دوسوگرا^{۱۱} به خدا دارند ممکن است ترکیبی از شاخص‌های زیر را گزارش دهند: (۱) عدم اعتماد و اطمینان به حمایت و حفاظت خداوند یا ارزش‌دهی به آنها (۲) دل مشغولی - شیفتگی متوسط تا افراطی نسبت به رابطه‌شان با خدا (۳) احساسات مبهم نسبت به خدا (مثلاً: میل به نزدیکی به خدا اما اضطراب از نزدیکی به دلیل احساس عدم پذیرش از طرف خداوند، احساسات نوسانی)، همراه با سردرگمی درباره چگونگی نگرش خداوند از آنها (۴) تجارب رابطه‌ای که آمیزه‌ای از لحن‌های مثبت و منفی در محتوا دارند (۵) صفات خدا عبارتست از: تا حدی در دسترس، پاسخگو ولی عدم اطمینان به ثبات در پاسخگویی، حاضر و حامی ولی با انتظار پا پس کشیدن از حضور در هر لحظه. افراد با دل‌بستگی ناایمن اجتنابی^{۱۲} نیز ممکن است

مربوط به رابطه کلی فرد با خدا به دست می‌آورد، امکان جمع‌آوری اطلاعات عمیق را فراهم می‌کند؛ جنبه‌های کمتر خودآگاه دلبستگی را بررسی می‌کند تا بدین وسیله گرایش به الگوهای پاسخ مطلوب اجتماعی را کاهش دهد؛ فرصت‌هایی را برای مصاحبه شونده ایجاد می‌کند تا مشخص کند او به چه طریقی، اگر وجود داشته باشد در گذشته و یا اکنون دلبستگی به خدا را تجربه کرده است. بر حسب انسجام درونی گفتمان محاوره‌ای، می‌توان پاسخ‌های مصاحبه شونده به پروتکل مصاحبه را بررسی نمود و شاخصه‌های دلبستگی به خدا را در افراد تعیین نمود.

بر این اساس، هدف از انجام این پژوهش کیفی، سنجش، ارزیابی و تبیین ارتباط افراد با خدا در قالب نظریه دلبستگی، در بافت و فرهنگ اسلامی بود.

روش

روش مطالعه حاضر، کیفی و از نوع نظریه بنیادی است. این روش برای آزمون نظریه‌های جدید یا بسط نظریه‌های پیشین به کار گرفته می‌شود و دارای چهار ویژگی اصلی است؛ ۱- تناسب^{۲۰} (آیا نظریه منطبق با داده‌های جهان واقعی است؟) ۲- درک^{۲۱} (آیا نظریه واضح و قابل درک است؟) ۳- کلیت^{۲۲} (آیا نظریه آن قدر انتزاعی هست که بتواند از مطالعه پژوهشی اصلی و جزئیات مربوط به آن فراتر رود؟) ۴- کنترل^{۲۳} (آیا نظریه می‌تواند در تولید نتایج واقعی کاربرد داشته باشد؟). در این روش پژوهشگر در هنگام جمع‌آوری داده‌ها نیاز به حساسیت نظریه‌ای دارد. تحلیل داده‌ها در این روش در سه مرحله انجام می‌شود.

۱- رمزگردانی باز^{۲۴} (خواندن خط به خط نسخه‌ها، شناسایی و کدگذاری مفاهیم یافت شده در داده‌ها).

جنبه‌های شناختی (در مقایسه با جنبه‌های عاطفی) دلبستگی به خدا تاکید می‌کنند ۲- بر خاطرات و یادآوری‌های خودآگاه دلبستگی که به طور بالقوه می‌توانند از برخی جهات مغرضانه باشند تاکید دارند ۳- فرصت محدودی برای بررسی عمیق، ضروری و بازنمایی پنهان دلبستگی ایجاد می‌کنند ۴- فرصتی برای جمع‌آوری اطلاعات غیررابطه‌ای ایجاد نمی‌کنند که به تشریح رابطه بین مولفه دلبستگی به خدا و سایر مولفه‌های رابطه کمک کند ۵- برخی از این مدل‌ها اقتباسی از مقیاس‌های فعلی هستند که هیچ‌گونه اعتبار و روایی روی مقیاس اصلاح شده صورت نگرفته است (پروکتور، ۲۰۰۹).

در انتخاب مدل مناسب برای سنجش دلبستگی به خدا، تاکید بر شناسایی مدل‌های موجود اندازه‌گیری دلبستگی به خدا و انتخاب یک مدل مناسب برای این امر ضروری به نظر می‌رسید. چنین مدلی می‌بایست:

- به لحاظ روش شناسی دقیق باشد. دارای مبنای مفهومی محکم و مبتنی بر ایده‌های کلیدی دلبستگی باشد. فراتر از تمرکز بر جنبه‌های صرفاً رفتاری ارزیابی دلبستگی حرکت کند، با نظر به اینکه نمی‌توان خدا را مستقیماً مشاهده کرد و سرانجام یک مدل از ارزیابی که سازگار با دیدگاه رشدی دلبستگی باشد و روی استخراج مولفه‌های عاطفی، شناختی، رابطه‌ای و کمتر خودآگاه تجارب دلبستگی افراد تاکید کند، ضمن اینکه مسائل فرهنگی نیز می‌بایست لحاظ گردد (سیم و لوه، ۲۰۰۳).

در بین ابزار سنجش دلبستگی به خدا، به نظر می‌رسد پروتکل جامع مصاحبه نیمه ساختار یافته پروکتور (۲۰۰۹)، گزینه مناسبی برای سنجش دلبستگی به خدا می‌باشد. این پروتکل مصاحبه، مطابق با دیدگاه رشدی دلبستگی می‌باشد، اطلاعاتی

مبتنی بر فرهنگ اسلامی تنظیم گردید و پس از آن از تعداد پنج نفر از شرکت کنندگان به شکل پایلوت و آزمایشی مصاحبه به عمل آمد و برخی اصلاحات لازم در فرم سوالات مصاحبه داده شد. در این مرحله پروتکل مصاحبه دلبستگی به خدا آماده انجام مصاحبه نهایی گردید.

ملاک‌های ورود شاغل بودن در واحد نظامی مورد نظر، داشتن حداقل تحصیلات دیپلم، مرد بودن، رضایت در همکاری و ملاک‌های خروج شامل عدم اشتغال به کار، تحصیلات کمتر از دیپلم، عدم رضایت در انجام مصاحبه، عدم همکاری در انجام کامل مصاحبه است.

با توجه به اینکه شرکت کنندگان در پژوهش افراد شاغل و ساکن در شهرک‌های مسکونی سازمانی یک واحد نظامی بودند، بر اساس ملاک‌های ورود و خروج، انتخاب افراد برای انجام مصاحبه به شکل تصادفی، آزادانه و با توضیحات کلی در خصوص تحقیقاتی بودن هدف مصاحبه و عدم ثبت مشخصات فردی (کدگذاری پرسشنامه‌ها)، آغاز می‌شد انجام مصاحبه برای هر نفر حدود ۹۰ دقیقه به طول می‌انجامید. پس از انجام هر مورد مصاحبه، فرم مصاحبه کدگذاری، نمره‌گذاری و طبقه‌بندی می‌گردید. نمره‌گذاری رونوشت‌های مصاحبه براساس قواعد گفتمان محاوره‌ای گرایس (۱۹۸۵، به نقل از هس، ۱۹۹۹)، با هدف تعیین انسجام و عدم انسجام رونوشت‌های مصاحبه و تعیین سبک دلبستگی افراد به خدا (ایمن یا نایمن) انجام می‌شد.

ابتدا ۴ قاعده گرایس در زمینه انسجام فرایند مصاحبه دلبستگی به خدا (کیفیت، کمیت، ارتباط، روش)، در قالب ۸ شاخص انسجام (مختصر و مفید، جامعیت، تعمق فراشناختی، شواهد، حفظ تماس، مرتبط با موضوع، وضوح، نظم و ترتیب) دسته‌بندی و توصیف شدند (جدول شماره ۱)

۲- رمز گردانی محوری^{۲۵} (سازماندهی مفاهیم و انتزاعی تر کردن آنها).

۳- رمزگردانی انتخابی^{۲۶} (تاکید روی ایده‌های اصلی، تدوین گزارش و نهایی‌سازی نظریه بنیادی)

جامعه آماری این پژوهش را کلیه افراد شاغل در یک واحد نظامی تشکیل می‌دهند. تعداد ۳۰ نفر از کارکنان، با میانگین سنی ۳۷ سال، متأهل و تحصیلات حداقل دیپلم و بالاتر، با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و به شکل تصادفی انتخاب شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند. ابزار پژوهش شامل:

برنامه مصاحبه نیمه ساختاریافته دلبستگی به

خدا: به منظور تعیین شاخص‌های دلبستگی به خدا از پروتکل مصاحبه نیمه ساختاریافته دلبستگی به خدا، پراکتور (۲۰۰۹) استفاده شد. این پروتکل دارای ۳۳ دسته سوال می‌باشد که هر دسته از پرسش‌ها با سوالات تعقیبی تکمیل می‌گردد و در چارچوب نظریه دلبستگی، مبتنی بر الگوی مصاحبه دلبستگی بزرگسالان و براساس شاخص‌های نظری دلبستگی به خدا تنظیم گردیده است. سوالات پروتکل مصاحبه دلبستگی به خدا بر محور ارزش‌گذاری و اعتماد به خود و خدا به شکل مثبت و منفی (الگوی درون کاری از خود و خدا) و در قالب کارکردهای دلبستگی به خدا (انگاره ذهنی از خدا، تجارب رابطه‌ای با خدا، پایگاه امن، پناهگاه امن، جوار جویی و اعتراض به جدایی) و در سطوح عاطفی، رفتاری و شناختی مطرح گردیده است. به منظور تعیین روایی محتوایی ابتدا فرم انگلیسی مصاحبه به زبان فارسی ترجمه گردید و سوالات مصاحبه با نظر ۱۰ نفر از متخصصین روان‌شناسی (اساتید با تحصیلات دکتری روان‌شناسی و دانشجویان دکتری روان‌شناسی) به زبان دینی و

جدول ۱- قواعد انسجام گفتمان محاوره ای دلبستگی به خدا بر اساس اصول گرایس (۱۹۸۵)

قواعد انسجام	شاخصه های انسجام	توصیف شاخصه ها
	مختصر و مفید	مصاحبه شونده قادر است روی هر سوال تعمق کند و بدون طفره رفتن، پاسخی مناسب و موجز ارائه نماید.
انسجام در کمیت	جامعیت و شمول	مصاحبه شونده قادر است جزئیات دقیق و کافی در پاسخ به هر بخش از یک سوال ارائه دهد، یعنی حسی از تمامیت درباره پاسخ های مربوط به هر سوال وجود دارد.
انسجام در کیفیت	تعمق فراشناختی	مصاحبه شونده قادر است بین یادآوری های گذشته و کنونی رابطه اش با خدا حرکت کند و اذعان دارد که تفاوت هایی در گذشته رابطه اش با خدا وجود داشته است (کودکی تا بزرگسالی).
	شواهد	مصاحبه شونده قادر است خاطراتی در تایید تجارب رابطه ای خود با خدا ارائه دهد در واقع خاطراتش با توصیفاتش تناسب دارد.
انسجام در ارتباط	حفظ تماس با موضوع	مصاحبه شونده قادر است، با موضوع بحث از طریق سوالات ارتباط برقرار کند.
	حفظ ارتباط	محتوای پاسخ های مصاحبه شونده مستقیماً مربوط به سوال پرسیده شده است.
انسجام در روش	وضوح	مصاحبه شونده قادر است روی سوالات قبلی تعمق کرده و آنها را در ملاحظات مربوط به پاسخ های فعلی به سوال کنونی بگنجانند.
	نظم و ترتیب	مصاحبه شونده قادر است از زمان فعل مناسبی در پاسخ به سوالات استفاده کند (گذشته و حال).

غیر از آن دارای سبک دلبستگی نایمن تعیین گردید. حالت ذهنی دلبستگی ایمن به خدا، مبتنی بر رونوشتی بود که علاوه بر برخوردار بودن از قواعد انسجام، مصاحبه شونده در گزارش رابطه اش با خدا، صرفنظر از تلخی یا شیرینی خاطراتش روشی "مشارکتی و فعال" داشت و جزئیات کافی، آگاهی بخش، مرتبط با موضوع و واضح، در تایید توصیفات رابطه اش با خدا انعکاس می یافت.

در ابتدا، حالت ذهنی کلی دلبستگی به خدا به عنوان ایمن یا نایمن تعیین گردید پس از آن، رونوشت مصاحبه افرادی که دلبستگی نایمن به خدا داشتند، دقیق تر مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به شاخص های دلبستگی نایمن، در دو طبقه دلبستگی

با توصیف قواعد انسجام گفتمان محاوره ای دلبستگی به خدا، هر یک از رونوشت های مصاحبه در ۸ شاخص ذکر شده با توصیف نظری تطبیق داده شد. در موارد انطباق رونوشت مصاحبه با توصیف نظری در هر یک از شاخصه های هشت گانه نمره (۱) و در موارد عدم انطباق، نمره (۰) لحاظ گردید. براین اساس، هر یک از رونوشت های مصاحبه، نمره انسجام بین ۰ تا ۸ را دریافت کردند.

در این پژوهش، بر اساس قواعد انسجام گفتمان محاوره ای گرایس، رونوشت مصاحبه ای که حداقل دارای ۶ تا ۸ شاخص انسجام (با حداقل یک شاخص به ازای هر قاعده) بودند، به عنوان رونوشت مصاحبه دارای انسجام و سبک دلبستگی ایمن تعیین گردید و

اجتنابی یا اضطرابی قرار گرفتند.

در تعیین سبک‌های دل‌بستگی افراد با خدا علاوه بر شاخصه‌های انسجام، ۹ شاخص دل‌بستگی به خدا شامل: - انگاره ذهنی از خدا - تجارب رابطه‌ای با خدا - حس تردید و یکپارچگی در رابطه با خدا - احساس ارزش خود - اهمیت موضوع دل‌بستگی به خدا - جوارجویی به خدا - اعتراض به جدایی - پناهگاه امن - پایگاه ایمن، مطابق با نظریه دل‌بستگی به خدا و در سه سبک (ایمن، دوسوگرا، اجتنابی) مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در قالب تحلیل نظری ارائه گردید. هدف اصلی تحلیل نظری، تعیین این امر بود که آیا شواهد رابطه‌ای خاصی در گزارشات شرکت کنندگان وجود دارد، که شاخص‌ها و ویژگی‌های مفروض نظری در مورد تجربه دل‌بستگی به خدا (ایمن، اضطرابی، اجتنابی) را که در چارچوب دیدگاه رشد دل‌بستگی مطرح است، محقق و تفکیک نماید.

بدین منظور، پس از تعیین انسجام درونی و مشخص شدن سبک دل‌بستگی به خدا در ۳۰ مورد رونوشت مصاحبه انجام شده که روال اجرایی آن ذکر گردید (سبک دل‌بستگی ایمن ۲۱ مورد، سبک دل‌بستگی اضطرابی ۶ مورد و سبک دل‌بستگی اجتنابی ۳ مورد)، شاخصه‌های دل‌بستگی به خدا در هر طبقه از سبک‌های دل‌بستگی (ایمن، اجتنابی، اضطرابی)، مورد بررسی و مقایسه قرار گرفتند که نتایج آن در ادامه آمده است.

۱- شاخص انگاره ذهنی آزمودنی‌ها از خدا

افرادی که با سبک دل‌بستگی ایمن کدگذاری و طبقه‌بندی شدند، انگاره ذهنی مثبت از خدا داشتند.

این دسته از شرکت کنندگان در اندیشیدن به انگاره‌های کودکی، نوجوانی و در بازگویی اندیشه فعلی‌شان در مورد خدا، انگاره‌هایی را گزارش می‌کردند که با اصطلاحات و تجاربی نظیر خدای بینا، شنوا، قادر، مراقب (صفات نظارتی) و در عین حال مهربان، دلسوز، ارحم الراحمین، ستار العیوب بیان می‌شد. از نظر این دسته از شرکت کنندگان خداوند از طریق نماز، دعا و نیایش همواره در دسترس و پاسخگو به نیازها توصیف می‌شد و اطمینان و اعتماد به دسترس بودن و پاسخگو بودن خداوند، هم در توصیفات ذهنی و هم در بیان شواهد و تجارب رابطه‌ای آنان با خدا مشهود بود.

افرادی که با سبک دل‌بستگی دوسوگرا کدگذاری و طبقه‌بندی شدند، انگاره ذهنی نوسانی از خدا داشتند. این دسته از شرکت کنندگان در اندیشیدن به انگاره‌های کودکی، نوجوانی و در بازگویی اندیشه فعلی‌شان در مورد خدا فراز و نشیب نسبتاً زیادی داشتند. این نوسانات در بیان انگاره ذهنی آنان از خدا در دوره‌های سنی مختلف مشهود بود و رابطه آنان با خداوند را نیز تحت تاثیر قرار داده بود (کاهش رابطه با خدا، نه قطع کامل رابطه). ضمن اینکه درگیری ذهنی بیشتر با اتفاقات و حوادث منفی زندگی‌شان داشتند که انتظار داشتند خداوند به آنها کمک کند و این اتفاق نیفتاده بود (انتقاد از عدم حضور خداوند). در مواردی نیز حوادث منفی را عواقب عملکرد نامناسب خودشان در زندگی می‌دانستند. ضمن اینکه این دسته از شرکت کنندگان به لحاظ ذهنی، تاکید بیشتری بر صفات نظارتی مانند، خداوند مراقب و ناظر اعمال انسان است و امثال آن داشتند در کنار بخشندگی، حامی بودن و امثال آن. اگرچه همین افراد به ویژگی‌های حامی بودن و در دسترس بودن خداوند

و تجارب این چینی نیز اشاره می‌کردند.

افرادی که با سبک دلبستگی اجتنابی کدگذاری و طبقه‌بندی شدند، انگاره ذهنی منفی از خدا داشتند. در توصیفات این دسته از شرکت کنندگان، خدا دور، غیر صمیمی اما تاثیر گذار به نظر می‌رسید. آنها به این تاثیر گذاری خدا در زندگی نگاه منفی و حاکی از ترس داشتند، اما چندان انگیزه‌ای برای تغییر و بهبود رابطه از خود نشان نمی‌دادند.

۲- شاخص تجارب رابطه با خدا

افرادی که با سبک دلبستگی ایمن کدگذاری و طبقه‌بندی شدند، تجارب رابطه‌ای مثبتی از رابطه با خدا گزارش کردند. مبتنی بر انگاره ذهنی مثبت این دسته از شرکت کنندگان، شواهد رابطه‌ای در فرایند مصاحبه یافت شد که نشان می‌داد، شرکت کنندگان در گذشته و یا حال دلبستگی به خدا را در کل تجربه‌ای مثبت تلقی می‌کنند. مهمترین شواهد رابطه‌ای، مربوط به حضور خداوند در زندگی آنان بود. آنان تجارب رابطه‌ای مانند نماز، دعا و نیایش به ویژه در مساجد و اماکن متبرکه را از لذت بخش‌ترین اوقات زندگی ذکر می‌کردند. برخی با اشاره به موفقیت‌هایشان آن را ناشی از بذل توجه و یاری همیشگی خداوند می‌دانستند. بعضی نیز خداوند را همواره اجابت‌کننده دعاهایشان می‌دانستند و سختی‌ها و مشکلاتی را ذکر می‌کردند که تنها با متوسل شدن به خداوند توانسته بودند بر آنها فائق آیند. تعدادی نیز حضور در خانه خدا (مکه مکرمه) را با شور و اشتیاق خاصی از تجارب فوق‌العاده مثبت ارتباط با خدا می‌دانستند. مضامینی مانند، با توکل به خدا همواره در زندگی تلاش می‌کنم و در رسیدن به نتیجه نیز ایمان دارم خداوند تلاشم را بهبود خواهد ساخت، در بین گفته‌های این دسته از شرکت کنندگان دیده می‌شد(توکل).

افرادی که با سبک دلبستگی دوسوگرا کدگذاری و طبقه‌بندی شدند، انگاره ذهنی نوسانی در رابطه با خدا داشتند. مبتنی بر انگاره ذهنی نوسانی این دسته از شرکت کنندگان، شواهدی وجود داشت که نشان می‌داد تجاربشان در رابطه با خدا بین مثبت و منفی در حال تغییر و نوسان بوده است. تعدادی از شرکت کنندگان، به خاطر برخی از رویدادها در زندگی‌شان (فقدان‌ها و حوادث مکرر) از خدا ابراز کله‌مندی می‌کردند. اگرچه آنها تجارب رابطه‌ای مثبت را نیز گزارش می‌کردند. با وجود تجربیات پرفراز و نشیب، آنها هیچ وقت رابطه‌شان را با خدا قطع نکرده بودند، آنها برای حضور خداوند در زندگی‌شان اهمیت ویژه‌ای قائل بودند اما از اینکه شاید به دلیل عدم لیاقت و شایستگی رابطه‌شان با خدا کمرنگ شود در ترس و اضطراب به سر می‌بردند.

افرادی که با سبک دلبستگی اجتنابی کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. این دسته از شرکت کنندگان انگیزه و تمایل کمی برای بیان تجارب رابطه‌ای با خدا داشتند و اندک تجارب رابطه‌ای آنان نیز، حاکی از تجارب رابطه‌ای منفی بود. تجارب مثبت، اگر ذکر می‌شدند، محدود به یک دوره خاص در زندگی شرکت کننده بود. آنها معمولاً، انگیزه، تمایل و انتظاری به بهبود رابطه با خدا نداشتند و در برخی موارد زوال کیفیت و ثبات رابطه با خدا را گزارش می‌کردند.

۳- شاخص تردید و یکپارچگی در رابطه با خدا

افرادی که با سبک دلبستگی ایمن کدگذاری و طبقه‌بندی شدند با پذیرش تردیدها در رابطه‌شان با خدا به یک حس یکپارچگی و اعتماد به خداوند دست یافته بودند. شرکت کنندگان به یاد می‌آوردند که فراز و فرودهایی را در کیفیت رابطه‌شان با خدا در طول زندگی تجربه کرده بودند. با وجود تجارب رابطه‌ای

و نزدیکی به خدا، منتج به این شده بود که این دسته از شرکت‌کنندگان علاوه بر اعتماد به حضور، محافظت و پاسخگویی دائمی خداوند، حسی مثبت از خود را رشد داده و خود را لایق و شایسته این محافظت و پاسخگویی می‌دانستند. افرادی که تجارب ایمن را گزارش می‌کردند تمایل داشتند بیشتر در مورد رابطه با خدا صحبت کنند. رابطه‌ای که باعث شده بود خودشان را ارزشمند بدانند. آنها باور داشتند که خداوند دوستشان دارد.

افرادی که با سبک دل‌بستگی دوسوگرا کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. شواهد رابطه‌ای روشنی از رونوشت‌ها به دست آمد که نشان می‌داد؛ این دسته از شرکت‌کنندگان خدا را در رابطه با حضور، پاسخگویی، حمایت و یا توجه، متناقض تصور می‌کردند و اعلام می‌کردند که این مسئله به کاستی‌های خودشان بر می‌گردد. تردید در مورد اینکه آیا در راستای معیارهایی که خداوند از آنها می‌خواهد زندگی می‌کنند یا خیر نیز باعث کاهش عزت نفس آنان می‌شد و کمتر به این نکته توجه داشتند که انتظار خداوند از هر فردی به اندازه توانایی‌ها و قابلیت‌های اوست. در مواردی که این ادراک به ذهنشان می‌رسید که در شرایط سخت با بدشانسی، عدم لیاقت و یا هر دلیل دیگری حمایت و همراهی خداوند را نداشته‌اند، این امر منجر به کاهش عزت نفس برخی از شرکت‌کنندگان شده بود و به طور عکس وقتی رابطه را مثبت ارزیابی می‌کردند، عزت نفس‌شان بالاتر گزارش می‌شد. به طور کلی تحلیل نشان داد، این دسته از شرکت‌کنندگان، درجاتی از تعارض و تردید نسبت به ارزش خود را در رابطه با خداوند تجربه می‌کردند که ماحصل آن رابطه‌ای اضطراب‌گونه با خداوند بود.

مثبت و منفی با خدا به ویژه در سنین پایین‌تر دچار شک و تردید و تعارضاتی در رابطه با خدا شده بودند. فقدان‌ها و بحران‌های زندگی جزء لحظاتی بودند که برخی از شرکت‌کنندگان عقاید گذشته و یا اخیر خود را به چالش کشیده و بازبینی می‌کردند. شواهد رابطه‌ای نشان می‌داد که برخی از شرکت‌کنندگان توانسته بودند وجود عدم قطعیت را در رابطه‌شان با خدا بپذیرند و آن را جزئی از خواست و حکمت الهی بدانند و با آن کنار بیایند و به تعادلی بین باورها و پذیرش تردیدها برسند. نشانه‌های ادغام و یکپارچگی تجارب مثبت و منفی در گزارشات آنان یافت شد.

افرادی که با سبک دل‌بستگی دوسوگرا کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. این دسته از شرکت‌کنندگان موقعیت‌های چالش برانگیز و همراه با تعارض زیادی را گزارش می‌کردند که همواره در رابطه‌شان با خدا با آن روبرو بوده‌اند، اما با اینکه تلاش زیادی برای ایجاد اطمینان و اعتماد در رابطه با خدا داشتند، هنوز نتوانسته بودند یک حس یکپارچه و منسجم از پذیرش تردیدهای شان ایجاد کنند. به نظر می‌رسید این افراد اعتقادی به خواست و حکمت الهی، در برخی از فقدان‌ها و بحران‌های زندگی‌شان که جزء تجارب رابطه‌ای منفی با خدا گزارش می‌کردند، نداشتند.

افرادی که با سبک دل‌بستگی اجتنابی کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. این دسته از شرکت‌کنندگان در راستای اینکه تمایل کمی برای بیان تجارب رابطه‌ای با خدا داشتند، تعارض و یکپارچگی خاصی را نیز در رابطه با خدا گزارش نکردند.

۴- احساس ارزش خود (عزت نفس)

افرادی که با سبک دل‌بستگی ایمن کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. تجارب مثبت از عشق، ایمان، توجه

می‌نمودند که از طریق نماز، دعا و نیایش و حضور در مساجد و اماکن متبرکه به ویژه در شرایط سخت و بحرانی و در مواردی که احساس می‌کردند نیاز به کمک و همراهی خداوند دارند، از خداوند طلب یاری نموده‌اند. آنها معتقد بودند، خداوند همواره در دسترس و پاسخگوی درخواست‌ها و دعاهای آنان است. اطمینان و اعتماد به دسترس بودن و پاسخگو بودن خداوند به هنگام جوارجویی، در بیان تجارب رابطه‌ای آنان با خدا همواره مشهود بود.

افرادی که با سبک دلبستگی دوسوگرا کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. این شرکت کنندگان در پاسخ به ادراک اضطرابی دوری از خدا و عدم احساس بسندگی و رضایت از رفتارهای جوارجویانه (نماز، دعا، زیارت اماکن متبرکه) در کاهش این فاصله، رفتارهای جوارجویانه زیادی (بیشتر از افراد دارای سبک دلبستگی ایمن) را گزارش می‌کردند، اما این رفتارهای جوارجویانه تنها به شکل موقت باعث کاهش اضطراب و نگرانی ناشی از ادراک دوری از خداوند می‌شد.

افرادی که با سبک دلبستگی اجتنابی کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. رفتارهای جوارجویی نسبت به خدا (نماز، دعاها، زیارت اماکن متبرکه، شرکت در مراسم معنوی)، در بیان تجارب این دسته از شرکت کنندگان بسیار محدود بود و اغلب، شرکت این افراد در برنامه‌های جوارجویی، با اصرار دیگران (همسر و فرزندان، اجبار اجتماعی و امثال آن بود) و شاید ناخواسته سازماندهی شده بود و آنها تمایلی به انجام رفتار جوارجویانه نداشتند.

۷- شاخص اعتراض به جدایی

افرادی که با سبک دلبستگی ایمن کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. این دسته از شرکت کنندگان گزارش کردند که خداوند همواره حاضر و پاسخگو است

افرادی که با سبک دلبستگی اجتنابی کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. مدل بازنمودی از ارزش خود (عزت نفس)، در این دسته از شرکت کنندگان با توجه به عدم تمایل و ارزش قائل شدن به رابطه با خدا، بیشتر حاکی از متکی به خود بودن بود. اگرچه به گفته خود این دسته از شرکت کنندگان، در شرایط سخت و بحرانی احساس شکنندگی و ضعف در توانایی خود برای مقابله با مصائب را تجربه کرده‌اند.

۵- شاخص اهمیت موضوع دلبستگی به خدا

افرادی که با سبک دلبستگی ایمن کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. به همان نسبت که خودشان را لایق حمایت و پاسخجویی خداوند می‌دانستند، نگرششان نیز نسبت به خداوند مثبت بود و همواره قدردان این حضور همیشگی خداوند در حمایت از خود بودند. در واقع بین نگرششان نسبت به خود و خداوند فاصله زیادی نبود.

افرادی که با سبک دلبستگی دوسوگرا کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. اهمیت و ارزش بالایی برای خداوند قائل بودند اما در بسیاری از موارد این ارزش و اهمیت حاکی از ترس و قدرت بالای خداوند بود. در مقابل نگرش منفی نسبت به خودشان داشتند. بین نگرش نسبت به خود و نسبت به خدا فاصله زیادی بود.

افرادی که با سبک دلبستگی اجتنابی کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. با وجود اینکه ارزش زیاد و نگرش مثبت نسبت به خود داشتند اما در خصوص خدا، اغلب نگرش منفی و حاکی از ترس داشتند.

۶- شاخص جوارجویی

افرادی که با سبک دلبستگی ایمن کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. این شرکت کنندگان رفتارهای جوارجویانه‌شان را با عشق و علاقه خاصی بیان

و در یک جمله اعتقاد داشتند خدا از رگ گردن هم به ما نزدیک‌تر است و دلیل این امر را نیز تجارب خود در گذشته بیان می‌کردند و اینکه خداوند همواره در شرایط سختی و نیاز آنها را یاری نموده است و نگرانی در این زمینه نداشتند.

افرادی که با سبک دل‌بستگی دوسوگرا کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. این دسته از شرکت‌کنندگان گزارش می‌کردند که خیلی از اوقات دچار احساس دل‌تنگی و دور بودن از خدا می‌کنیم و با اینکه رفتارهای جوارجویانه زیادی همچون نماز، دعا و امثال آن انجام می‌دهند، اما احساس می‌کنند این احساس دوری و فاصله و خلاء که بین آنان و خداست پر نمی‌شود و از این جهت نوعی گله‌مندی نسبت به خداوند در این زمینه داشتند. در واقع آنان اگر چه رفتارهای جوارجویانه بیشتری نسبت به افراد دارای دل‌بستگی ایمن داشتند، اما انگار ادراک فاصله داشتن و دور بودن از خدا در آنها نهادینه شده است.

افرادی که با سبک دل‌بستگی اجتنابی کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. این دسته از شرکت‌کنندگان به نظر می‌آمد، چون تمایل و تجربه خوشایند رابطه با خدا را نداشتند، شرایطی هم پیش نیامده بود که دوری- نزدیکی و جدایی رابطه با خدا را تجربه کنند. در گزارشات آنان نیز، احساس، رفتار و تجربیاتی که نشان‌دهنده اعتراض به جدایی در رابطه با خدا باشد یافت نشد.

۸- شاخص پناهگاه امن

افرادی که با سبک دل‌بستگی ایمن کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. این شرکت‌کنندگان تجارب رابطه‌ای در مدیریت و حل مسئله معضلات و بحران‌های زندگی (فقدان‌ها، مصائب، خطر، تهدید، مقابله، تنهایی و امثال آن) داشتند که نشان می‌داد در گذشته یا حال خدا در

زندگی آنها به لحاظ روان شناختی عملکردی مانند پناهگاه امن داشته است. آنها لحظاتی را گزارش می‌کردند که در پریشانی و فقدان‌ها به خدا روی آورده بودند تا آرامش یابند. آنها بر حضور خدا در آن لحظات اذعان داشتند، خدا در آن شرایط یاری‌گر و حامی آنها بود، حتی اگر به طور خاص از خدا درخواست کمک نکرده بودند. بنا به میزان توانایی آنها در گزارش این تجربیات، شواهد رابطه‌ای آنان عملکرد خدا به عنوان پناهگاه امن را تایید می‌کرد. تجارب به طور معمول در دو گروه قرار می‌گرفتند: ۱- اقدام به جوارجویی با خداوند به صورت دعا و نیایش و حضور در اماکن متبرکه و کسب آرامش از طرف خداوند ۲- احساس کلی اینکه خداوند با وجود بحران همراه آنان است و این نیز (بحران) بخشی از مسیر زندگی آنان است که با اطمینان از همراهی و حضور خداوند، آن را به سلامت سپری خواهند کرد. علم به حضور خدا (پایگاه ایمن) به آنها اطمینان می‌داد که خدا آنها را حفظ می‌کند و به نوبه خود آنها نیز هنگامی که پناهگاه امنی می‌خواستند به سوی خدا روی می‌آوردند.

افرادی که با سبک دل‌بستگی دوسوگرا کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. انتظار این دسته از شرکت‌کنندگان از حضور خداوند به عنوان پناهگاه امن، تحت تاثیر تجربیات گذشته آنان که، فقدان‌ها، مصائب و سختی‌هایی را تجربه کرده بودند و در مواردی، خداوند برای آنها نقش حامی و پشتیبان را داشته است و در برخی موارد که انتظار داشتند همراهی و پشتیبانی خداوند را داشته باشند، این اتفاق نیفتاده بود (از دیدگاه خودشان) تا حدودی با تردید همراه بود. آنها به دنبال قطعیت در همراهی و همگامی خداوند بودند و شاید کمتر تقدیر و خواست الهی را بر خود مقدر می‌دانستند. با این حال آنان تجارب جوارجویی با

به طور کلی احساس، عاطفه، رفتار و تجارب آنان، تصدیق‌کننده نگرش مثبت آنان (شناخت) به خدا و وجود پایگاه ایمن خداوندی در زندگی آنان بود.

افرادی که با سبک دلبستگی دوسوگرا کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. این شرکت‌کنندگان، فقدان‌ها، مصائب و سختی‌هایی زیادی را به یاد می‌آوردند که تنها در برخی از موارد، خداوند برای آنها نقش حامی و پشتیبان را داشته است و در برخی موارد که انتظار داشتند همراهی و پشتیبانی خداوند را داشته باشند، این اتفاق نیفتاده بود. البته از نظر آنان این رفتار خود آنان بود که باعث شده بود ارزش آنان برای حضور خداوند در حمایت از آنان کم‌رنگ شود و همواره تلاش می‌کردند با جوارجویی به درگاه خداوند، این ارزش و شایستگی را برای حمایت همیشگی خداوند به دست آورند.

افرادی که با سبک دلبستگی اجتنابی کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. شرکت‌کنندگان اگرچه به وجود بحران‌هایی در زندگی‌شان اشاره کردند، اما از نقش حضور خداوند به عنوان پشتیبان و نقطه اعتماد و اطمینان در این بحران‌ها سخنی به میان نیاوردند (عدم احساس حضور خداوند به عنوان پایه و اساس ایمنی در بحران‌ها و ترجیح به مقابله شخصی صرف).

بحث و نتیجه گیری

تحلیل کیفی پژوهش برای پاسخ بر این سوال انجام شد که آیا شواهد رابطه‌ای شرکت‌کنندگان با خدا، ویژگی‌های نظری مفروض در مورد تجربه دلبستگی به خدا، اعم از دلبستگی ایمن و نایمن (دوسوگرا و اجتنابی) را محقق و تبیین می‌نماید؟

نتایج تحلیل نظری پژوهش که با کدگذاری و طبقه‌بندی رابطه شرکت‌کنندگان با خدا در قالب ۹

خداوند را در شرایط بحرانی گزارش می‌کردند، که نوعی تلاش مفرد و مضطربانه برای تغییر ادراک خود از حضور قطعی خداوند به عنوان حامی و منبع آرامش بود.

افرادی که با سبک دلبستگی اجتنابی کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. وقتی از این شرکت‌کنندگان درباره مقابله با سختی‌ها و بحران‌هایی که در زندگی تجربه کرده بودند سوال می‌شد، آنها اشاره‌ای به حضور خداوند برای کسب آرامش و یاری نمی‌کردند. در واقع خدا نقش برجسته‌ای در زندگی یا افکار این شرکت‌کنندگان به ویژه به هنگام مقابله با بحران‌ها نداشت.

۹- شاخص پایگاه ایمن

افرادی که با سبک دلبستگی ایمن کدگذاری و طبقه‌بندی شدند. این دسته از شرکت‌کنندگان احساس و حالات عاطفی نسبتاً مستمری را گزارش کردند که علیرغم وجود مخاطرات و بحران‌های زندگی از وجود خداوند احساس امنیت و آرامش کرده و با توکل بر خدا بر مشکلات فائق آمده بودند. مثلاً، شرکت‌کننده‌ای عنوان می‌کرد "مشکلات زیاد اقتصادی و خانوادگی ابتدای ازدواج و زندگی وجود داشت، اما با توکل به خدا هیچ وقت احساس تنهایی و ناامیدی نکردم و با همراهی و حضور خداوند بر مشکلات پیروز شدم". آنها اقداماتی (رفتارها) را به شکل خاطراتی از تجارب مقابله با چالش‌های زندگی ذکر می‌کردند که حاکی از این اعتماد به خدا و همراهی با آنان بود همچنین برخی از شرکت‌کنندگان هنگامی که بحران‌های گذشته را مرور می‌کردند باور داشتند که خدا در حقیقت با آنها یار بوده است. آنها پس از حوادث و با اندکی تأمل در می‌یافتند خدا در سرتاسر بحران‌های گذشته با آنها همراهی کرده است.

موضوع دل‌بستگی (خدا) قائل بودند. این امر باعث شده بود که بین نگرش مثبت به خود و نگرش مثبت به خدا فاصله‌ای ایجاد نشود. آنها رفتارهای جوارجویی با موضوع دل‌بستگی (خدا) را از بهترین لحظات زندگی خود گزارش می‌نمودند. همواره خداوند را نزدیک و حامی خود احساس می‌کردند و دوری و فاصله قابل ملاحظه‌ای که منجر به فقدان اعتماد و اعتراض به جدایی از خداوند شود، گزارش نشد. این شاخص‌ها به طور کلی نوید دهنده وجود پناهگاه امن خداوندی برای آنان در برابر مخاطرات زندگی بود که در اثر تکرار این احساس امنیت در پناهگاه امن خداوندی، به وجود خداوند به عنوان پایگاه ایمن اطمینان و یقین کامل پیدا کرده بودند.

از مهمترین شاخصه‌های افراد با دل‌بستگی ایمن، پناهگاه امن و پایگاه ایمن بود. این دو شاخص؛ محصول و نتیجه دیگر شاخصه‌های ذکر شده (سایر هفت شاخص ذکر شده) برای دل‌بستگی به خدا است. عملکرد روان شناختی خدا به عنوان پناهگاه امن، حسی از ایمنی ملموس را به فرد می‌دهد، این حس در حفاظت، آرامش، کمک و یاری خداوند تجربه می‌شود، این پناهگاه امن فرد را قادر به ایفای نقش سازنده در جهان پیرامونی و در مواجهه با بحران‌ها و موقعیت‌های تهدیدآمیز می‌نماید. فردی که دل‌بستگی ایمن دارد قادر است در شرایط سخت و بحرانی به خدا روی آورده و به او نزدیکتر شود و با علم به اینکه خدا در زندگی او حاضر و آماده است به آرامش برسد. عملکرد خدا به عنوان پایگاه ایمن حسی از امنیت ملموس را فراهم می‌آورد که فرد مومن را قادر می‌سازد در امنیت کامل به زندگی خود بپردازد. افراد ایمن، به حضور و تعهد مداوم خدا نسبت به خود و سلامت‌شان مطمئن هستند. این دو عنصر کلیدی، پناهگاه امن و

شاخص رابطه‌ای - انگاره ذهنی از خدا - تجارب رابطه‌ای با خدا - حس تردید و یکپارچگی در رابطه با خدا - احساس ارزش خود - اهمیت موضوع دل‌بستگی به خدا - جوارجویی به خدا - اعتراض به جدایی - پناهگاه امن - پایگاه ایمن و سه نیمرخ دل‌بستگی به خدا (ایمن، دوسوگرا، اجتنابی)، انجام شد، نشان داد: شرکت کنندگانی که دارای سبک دل‌بستگی ایمن به خدا کدگذاری و طبقه‌بندی شدند، شواهد رابطه‌ای منطبق با شاخص‌های نظری و عملیاتی تعریف شده برای نیمرخ دل‌بستگی ایمن به خدا را داشتند (کیرک پاتریک، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴؛ پروکتور، ۲۰۰۹؛ گرانکوئیست و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین وجود شاخص‌های نمایه دل‌بستگی ایمن به خدا در بررسی رونوشت‌های مصاحبه مورد تایید قرار گرفت. آنها توصیفاتی از رابطه با خدا داشتند که نشان دهنده، انگاره ذهنی مثبت از خدا بود. ارائه گزارشات و تجارب رابطه‌ای مثبت با خدا در گذشته و حال نیز دلیلی بر وجود انگاره ذهنی مثبت از خدا در وجود آنان بود. اگرچه بعضی از آنها به ویژه در گذشته (اغلب دوران نوجوانی و اوایل جوانی) وجود تردید در رابطه با خدا (تجارب ناراحت کننده‌ای که در آن زمان بر خلاف میل ظاهری آنان بوده) را مطرح نمودند، اما با پذیرش تردیدها (اینکه مقدرات خداوند همواره براساس حکمت و خیرخواهی آنها است) به یکپارچگی و انسجام در رابطه با خدا (یقین) دست یافته بودند. انگاره ذهنی و تجارب مثبت از عشق، ایمان، توجه و نزدیکی به خداوند، منتج به این شده بود که این دسته از شرکت‌کنندگان علاوه بر اعتماد به حضور، محافظت و پاسخگویی دائمی خداوند، حسی مثبت از خود (عزت نفس بالا) را رشد داده و خود را لایق و شایسته این محافظت و پاسخگویی بدانند و عشق، علاقه و اهمیت خاصی برای

پایگاه ایمن، جزو لاینفک رابطه دلبستگی است و وجود این دو ویژگی کلیدی در رابطه یک فرد با خدا نشان‌دهنده تجربه دلبستگی ایمن با خداست.

شرکت کنندگانی که دارای سبک دلبستگی ناایمن-دوسوگرا به خدا کدگذاری و طبقه‌بندی شدند، شواهد رابطه‌ای را با خدا گزارش نمودند که منطبق با شاخص‌های نظری و عملیاتی تعریف شده برای نیمرخ دلبستگی دوسوگرا به خدا بود. (کیرک پاتریک، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴؛ پروکتور، ۲۰۰۹؛ گرانکوئیست و همکاران، ۲۰۱۱). آنها توصیفاتی از خدا داشتند که نشان‌دهنده انگاره ذهنی نوسانی از خدا بود. ارائه گزارشات و تجارب رابطه‌ای مثبت و منفی و پرفراز و نشیب با خدا در گذشته و حال نیز دلیلی بر وجود انگاره ذهنی نوسانی از خدا در وجود آنان بود. تعدادی از این شرکت‌کنندگان، به خاطر برخی از رویدادها در زندگی‌شان (فقدان‌ها و حوادث مکرر) از خدا ابراز گله‌مندی می‌کردند. اگرچه آنها تجارب رابطه‌ای مثبت را نیز گزارش می‌کردند، اما تردید در رابطه با خدا و ترس از قطع رابطه با خدا را تجربه می‌کردند. آنها نتوانسته بودند همچون افراد با دلبستگی ایمن از تردید در رابطه با خدا (اینکه مقدرات خداوند همواره براساس حکمت و خیرخواهی آنان است) به انسجام و یکپارچگی و یقین برسند. انگاره ذهنی پرنوسان و تجارب پرفراز و نشیب دوری و نزدیکی رابطه با خداوند، منتج به این شده بود که این دسته از شرکت‌کنندگان علیرغم اهمیت زیادی که برای رابطه با خدا (اهمیت موضوع دلبستگی قائل بودند و رفتارهای جوارجویانه (نماز، خواندن قرآن، دعاهای مختلف، زیارت عتبات عالیات) زیادی که گزارش می‌کردند؛ با تردید به حضور، محافظت و پاسخگویی دائمی خداوند، حسی نسبتاً منفی از خود (عزت نفس

پایین) را رشد داده و خود را کمتر لایق و شایسته محافظت و پاسخگویی خداوند می‌دانستند و این نگرش مثبت به خدا و در مقابل نگرش منفی به خود به شکل ناخواسته باعث ایجاد فاصله بین خودشان با خدا شده بود. ادراک دوری و فاصله داشتن از خداوند منجر به فقدان اعتماد و اعتراض به جدایی از خداوند در شرایط سخت و دشوار زندگی شده بود. این شاخص‌ها به طور کلی باعث شده بود، آنان در شرایط سخت و در بحران‌های زندگی به وجود خداوند به عنوان پناهگاه امن خداوندی به دیده تردید بنگرند و با ناتوانی در غلبه بر این تردیدها، سوار بر امواج پر نوسان بیم و امید به وجود خداوند به عنوان پایگاه ایمن اطمینان و اعتماد کمی داشته باشند. به طور کلی این دسته از شرکت‌کنندگان، درجات مختلف (شدت و ضعف) شاخص‌های نمایه دوسوگرا را، به جای وجود یا عدم وجود این شاخص‌ها گزارش کردند. اما نکته برجسته، امید این افراد برای بهبود رابطه با خدا در آینده بود که نشان می‌داد مدل بازنمودی آنها از خدا مثبت‌تر از مدل بازنمودی آنها از خودشان است.

شواهد رابطه‌ای شرکت‌کنندگانی که دارای سبک دلبستگی ناایمن-اجتنابی به خدا کدگذاری و طبقه‌بندی شدند، با شاخص‌های نظری و عملیاتی تعریف شده برای نیمرخ دلبستگی اجتنابی به خدا (کیرک پاتریک، ۱۹۹۴، ۱۹۹۲؛ پروکتور، ۲۰۰۹؛ گرانکوئیست و همکاران، ۲۰۱۱). در مواردی متفاوت بود. آنان توصیفاتی از رابطه با خدا داشتند که نشان‌دهنده، انگاره ذهنی منفی از خدا بود. رابطه دور و غیر صمیمی آنان با خدا، فقدان انگیزه و تلاش برای تغییر و بهبود رابطه با خدا و در عین حال اعتقاد به تاثیرگذاری خداوند بر زندگی آنان، باعث شکل‌گیری انگاره ذهنی منفی همراه با ترس از خدا در وجود آنان

شده بود. به همین دلیل آنان تمایل کمی به صحبت کردن در خصوص تجارب رابطه با خدا داشتند و می‌توان گفت فقدان تجارب رابطه‌ای در این بخش بیشتر قابل توصیف بود و این برخلاف دیدگاه نظری دل‌بستگی به خدا که اعتقاد به وجود تجارب رابطه‌ای منفی در افراد با سبک دل‌بستگی اجتنابی به خدا است. به نظر می‌رسد انگاره ذهنی منفی این دسته افراد از خدا به دلیل تعارض بین ادراک اجتماعی آنان از تاثیرگذار بودن خداوند بر زندگی افراد و در عین حال عدم تمایل و گرایش درونی این افراد به رابطه با خداست که به دلیل این عدم تمایل و گرایش درونی و غیر موثر بودن مشوق‌های محیطی تجارب رابطه‌ای خاصی با خدا شکل نگرفته است که گزارش شود. آنها بر خلاف افراد با سبک دل‌بستگی ایمن و دوسوگرا چون گرایشی به رابطه با خدا نداشتند، دچار تردید در رابطه نیز نمی‌شدند و منطقی است که به انسجام و یکپارچگی هم در رابطه با خدا (یقین) دست نیافته بودند. رفتارهای جوارجویی آنان با خدا (نماز، دعا، زیارت اماکن متبرکه)، کم گزارش می‌شد و وجود این رفتارها نیز بیشتر به دلیل فشارهای اجتماعی (دوستان، خانواده) بود. آنها اتکاء به خود در شرایط بحرانی را بیشتر از اتکاء به خداوند گزارش می‌کردند و به نظر می‌رسید که اهمیت و ارزش خود برای آنان بیشتر از ارزش و اهمیت موضوع دل‌بستگی به خدا است اگرچه این عزت نفس بالای گزارش شده بنا بر تجارب خودشان در شرایط بحرانی شکننده به نظر می‌رسید. طبیعی است که سایر شاخص‌های دل‌بستگی به خدا یعنی اعتراض به جدایی، پناهگاه امن و پایگاه ایمن نیز در این دسته از شرکت کنندگان قابل ردیابی نبود. در اسلام مفاهیم و موضوعات مربوط به دل‌بستگی به

خدا در کتاب آسمانی قرآن، احادیث روایت شده از پیامبر اکرم (ص)، دعا‌های کمیل، صحیفه سجادیه، مفاتیح الجنان، صحیفه علویه و برخی منابع دست دوم همچون تفاسیر قرآنی، مناسک و آداب و رسوم مذهبی و نوشته‌های عرفانی آمده است. مسلمانان خداوند را در نیایش‌های خود مجیب می‌خوانند و خداوند نیز خود را اجابت‌کننده درخواست بنندگان معرفی می‌کند. در ارتباط با الگوی خود، انسان مشتاق به لقاء خدای خود است و از درون استعداد بالندگی و عروج داشته و رابطه تنگاتنگی با خدا دارد. وقتی از تجلی و حضور خداوند در هستی صحبت می‌شود، مسلمانان فراتر از پاسخگو بودن و حضور فکر می‌کنند، آنان به نزدیک بودن خداوند حتی نزدیک‌تر از خودشان و رگ‌های گردن‌شان اشاره می‌کنند؛ همنوایی که هسته اصلی دل‌بستگی ایمن است و به روابط نزدیک که در آن عواطف و احساسات طرفین نسبت به هم رد و بدل می‌شود اطلاق می‌گردد. در این نوع رابطه انگاره دل‌بستگی قادر است به طور موثر احساسات و هیجانات فرد نیازمند را درک نموده و به آن پاسخ دهد، این مسئله در بسیاری از نمادها و مناسک مانند نماز، طواف کعبه، رفتن به مسجد، نیایش، دعا و... که نمایانگر تقرب (جوارجویی) فرد مسلمان است، متجلی شده است. وجود خداوند در هستی به صورت سمبولیک، که هر چیز آیه و آینه‌ای از حضور خداوند است و همه چیز از خداوند است و به سوی او باز می‌گردد (سوره بقره ۱۵۶ و ۲۱۰؛ سوره انعام، ۶۲). قرآن به ما یادآوری می‌کند که هر چه در شرق و غرب است به خدا تعلق دارد، هر کجا که انسان‌ها بروند در حضور خداوند هستند. خداوند حکیم و داناست و در همه جا حضور دارد (سوره بقره، آیه ۱۱۵). از این طریق است که مسلمانان علی‌رغم مبرا دانستن خداوند از

پی نوشتها

- 1-Attachment to god
- 2-Secure base
- 3-Granqvist, P
- 4-Mikulincer, M
- 5-Shaver, p
- 6-Kirkpatrick, L
- 7-Sroufe, L
- 8-Fleeson, A
- 9-Ainsworth, M
- 10-Secure attachment
- 11-Ambivalent attachment
- 12-Avoidance attachment
- 13-Ellison, C
- 14-Bartholomew, K
- 15-Horowitz, L.M
- 16-Proctor, M. T
- 17-Rowatt, W. C
- 18-Sim, T.N
- 19-Loh, B.S.M
- 20-fit
- 21-understanding
- 22-generalality
- 23-control
- 24-open coding
- 25-axial coding
- 26-selective coding

منابع

- ۱- احمدی، خدابخش. شیخ، مهدی وحسن سرابندی (۱۳۹۱)، نقش دلبستگی به خدا در تاب آوری و سلامت روان کودکان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر؛ فصلنامه پژوهش در سلامت روان شناختی؛ (۱)، ۹، ۶-۱.
- ۲- غباری بناب، باقر و حدادی کوهسار، علی اکبر (۱۳۹۰). دلبستگی به خدا در بافت فرهنگ اسلامی: پایه های نظری، ساخت و رواسازی ابزار اندازه گیری. مجله روش ها و مدل های روان شناختی، ۱(۴)، ۸۱-۱۰۶.
- 3-Ainsworth, M. D. S. (1985). Attachment across the lifespan. *Bulletin of the New York Academy of Medicine*, 61, 792-812.
- 4-Bartholomew, K., & Horowitz, L.M. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four-category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61(2), 226-244.

ویژگی های انسانی، معتقد هستند که خداوند به آنان نزدیک است؛ پاسخگو بوده، صدا و نجوای بندگان را می شنود و به آنان پاسخ می دهد (غباری بناب، حدادی کوهسار، ۱۳۹۱).

الگوی دلبستگی مفروض در مطالعه حاضر براساس الگوی کرک پاتریک (۱۹۹۲)، در زمینه دلبستگی به خدا بود. کرک پاتریک (۱۹۹۲)، منطبق بر طبقه بندی هازان و شیور در مورد دلبستگی بزرگسالان و طبقه بندی اینثورت از سبک های دلبستگی کودکان، این سه سبک دلبستگی و شاخص های مفروض (در بخش پیشینه پژوهش آمده است) بر هر سبک را ارائه نموده است. در پژوهش حاضر الگوهای تجارب رابطه ای شرکت کنندگان با خدا به جز یافته های مربوط به سبک دلبستگی اجتنابی مشابه یافته های قبلی در این زمینه بود. نتایج پژوهش همچنین نشان داد شواهد مربوط به وجود افراد با سبک دلبستگی ایمن به خدا بسیار بیشتر از دو سبک دیگر دلبستگی، یعنی دوسوگرا و اجتنابی است که البته با توجه به نمایه جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه که عموماً مذهبی بودند، منطقی به نظر می رسد که افراد کمی در این نمونه دارای سبک دلبستگی نایمن (دوسوگرا، اجتنابی) باشند. به همین دلیل، هر چند شواهد رابطه ای متعددی برای شاخص های سبک دلبستگی ایمن و شاخص های سبک دلبستگی دوسوگرا حاصل شد و شواهدی نیز در تایید شاخص های سبک دلبستگی اجتنابی به خدا در تحقیق حاضر بدست آمد، اما با توجه به تعداد اندک افراد با سبک دلبستگی اجتنابی، تحقیقات بیشتری با نمونه مختلط افراد مذهبی و غیر مذهبی برای روشن ساختن برخی از شاخص های سبک دلبستگی اجتنابی به خدا نیاز است.

- attachment: Theory, research, and clinical applications (pp. 803-822). New York: Guilford.
- 16-Kirkpatrick, L. A. (2005). Attachment, evolution, and the psychology of religion. New York: Guilford Press.
- 17-Proctor, M. T. (1998). Attachment to God: Is it a viable concept? The relationship between attachment to God, child and adult attachment, God concept and the quality and nature of relationship with God. Unpublished Honours manuscript, School of Psychology. Sydney, University of Western Sydney.
- 18-Proctor, M. T., Mclean, L., Devenish, S., and Ghobary, B. Exploring Christians explicit attachment to God representations: the development of a template for assessing attachment to God experience, *Journal of Psychology and Theology*, vol. 4, issue 37, 2009, pp. 245-264.
- 19-Rowatt, W. C., & Kirkpatrick, L. A. (2002). Two dimensions of attachment to God and their relation to affect, religiosity, and personality constructs. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41(4), 637-651.
- 20-Sheikh, M. Sarabandi, H. Khalighi, N. Refahi, A. A. (2013). Intermediary role of the number exceptional children on parents attachment to God, mental health and resiliency. *Journal of Basic and Applied Scientific Research*. vol. 3, No. 10, 258-264.
- 21-Sim, T. N., & Loh, B. S. M. (2003). Attachment to God: Measurement and dynamics. *Journal of Social and Personal Relationships*, 20(3), 373-389.
- 22-Sroufe, L., Fleeson, A., Fleeson, J. Attachment and the construction of relationships. Retrieved April 22, 2006, from <http://www.ijot.com/papers/slater-children-godconcept.pdf>. 1986.
- 5-Beck, R., & McDonald, A. (2004). Attachment to God: The Attachment to God Inventory: Tests of working model correspondence and an exploration of faith group differences. *Journal of Psychology and Theology*, 32(2), 92-103.
- 6-Ellison, C., Bradshaw, M., Flannelly, K., and Galek, K. (2014). Prayer, Attachment to God, and Symptoms of Anxiety-Related Disorders among U.S. Adults. *Sociology of Religion*, 75(2), 208-233.
- 7-Granqvist, P., & Kirkpatrick, L. A. (2011). Religious conversion and perceived childhood attachment: A meta-analysis. *International Journal for the Psychology of Religion*, 14, 223-250.
- 8-Granqvist, P., Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2010). Religion as attachment: Normative processes and individual differences. *Personality and Social Psychology Review*, 14. doi: 10.1177/1088868309348618.
- 9-Grice, P. (1989). *Studies in the way of words*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- 10-Grice, P. (1975). Logic and conversation. In P. Cole & J. L. Moran (Eds.) *Syntax and semantics*; 3, *Speech acts*. New York: Academic Press 41-58.
- 11-Hesse, E. (1999). The Adult Attachment Interview: Historical and current perspectives. In J. Cassidy & P. R. Shaver, *Handbook of Attachment*. New York: The Guilford Press, 395-433.
- 12-Kirkpatrick, L. A. (1994). The role of attachment in religious belief and behavior. *Advances in Personal Relationships*, 5, 239-256.
- 13-Kirkpatrick, L. A. (1995). Attachment theory and religious experience. In R. W. Hood (Eds.), *Handbook of religious experience*. Alabama: Religious Education Press, 446-475.
- 14-Kirkpatrick, L. A. An attachment-theory approach to the psychology of religion. *The International Journal for the Psychology of Religion*. 1997;2: 3-2.
- 15-Kirkpatrick, L. A. (1999). Attachment and religious representations and behavior. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of*